

کمونیست های فعال و درگیر در مبارزات کردستان متعلق به کدام تشکل ها بودند؟

دروهفته ای که گذشت، رفقا و دوستان زیادی بمناسبت یورش ددمنشانه رژیم به کردستان و سرکوب و کشتار کمونیستها، انقلابیون، کارگران و زحمتکشان این منطقه در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ مطالب و مقالات گوناگونی در رابطه با این سرکوب نوشته اند. مطالبی که در آن به درستی به عملکرد و افشای رژیم جمهوری اسلامی در کردستان و سایر نقاط ایران اشاره کرده اند. همچنین مقاومت، پایداری، مبارزه نیروهای کمونیست، چپ، کارگران و توده های زحمتکش در مقابله با این رژیم نشان داده و به توضیح، تحلیل، تشریح شرایط و زمینه های این حمله رژیم و مقاومت مردم پرداخته اند.

تا اینجا مطالب و مقالات رفقا با ارزش، افشاگرانه، تحلیلی و روشنگرانه بوده و به درستی به افشای عملکرد سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی دست زده اند و تصویر روشنی آزمائشی که ۳۰ سال پیش اتفاق افتاده را بدست میدهند. نوشتن این مطالب برای ثبت در تاریخ برای نسل آینده، کارگران و زحمتکشان بسیار با اهمیت میباشد و جالب اینکه بسیاری از رفقای نویسنده این مطالب خود، شرکت کنندگان، مبارزان کمونیست، فعالین دخیل، تشکیلاتی و حزبی در این مقاومت و مبارزه بوده اند.

اما کمبود نقطه ضعفی که متأسفانه در بسیاری از این مطالب (به جز چند مورد) هست، این است که بیشتر رفقا در شرح تاریخ مقاومت، مبارزه و پایداری مردم تحت ستم و سرکوب در کردستان، از بردن اسم تشکیلات و احزاب درگیر، سازمانده و رهبری کننده در این مقاومت و مبارزه در برابر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خودداری کرده اند و تا آنجاییکه به تشکیلات و احزاب سیاسی درگیر در مقابل رژیم مربوط است یا مربوط میشود، اسامی این احزاب و سازمانها را خصوصاً "سازمان هایی که نقش بسیار مهم و اصلی داشته اند را آگاهانه یا ناآگاهانه، سهواً و با عمداً" فراموش کرده اند که نام بیرندواز یک طرف احزاب کمونیستی و انقلابی را و از طرف دیگر گروهها و تشکیلات ناسیونالیستی را از قلم انداخته اند. در بیشتر این مطالب به نیروهای کمونیستی، نقش و شرکت آنها در آن دوران که میرسد هیچ اشاره ای به اینکه این نیروهای کمونیستی از چه تشکیلات، حزب و یا گروهی تشکیل شده بودند، به طور مشخص نمیکند.

قابل توجه و عجیب تر از همه این است که بسیاری از این رفقا خود به شکل متشکل و کمونیستی درگیر مبارزه بر علیه رژیم در آن دوره بوده و به عنوان پیشمرگ، عضو، کادر، سمپات و هوادار فعالیت داشته اند.

سئوال این است که آیا کمونیست ها و انقلابیون که این رفقا در مطالبشان از آنان نام برده اند، منفردین و پیشمرگانی بدون تشکیلات و سازمان بوده اند؟ آیا افرادی بودند که هر کدام به تنهایی و با اسلحه خویش و به صورت ماجراجویانه، فردی و سرگردان در نبرد با رژیم قرار داشتند؟ این جنبشی که در مقابل رژیم سرکوبگر سازماندهی شده بود چگونه صورت گرفت؟ رهبری به شکل تشکیلات، سازمان و یا حزب مشخصی نداشت؟ آیا هر مبارز و پیشمرگی هرکاری که خودش به صورت فردی مایل بود دوست داشت انجام میداد؟ کمونیستها و انقلابیون که در نوشته ها و مقالات این رفقا از آنها نام برده میشود متعلق به کدام تشکل یا گروه بودند؟ چه کسانی بودند؟ چه کسی رهبری نیروهای مقاومت و درگیر با رژیم را داشت؟ آیا مقاومت مردم، کارگران و زحمتکشان در مقابل این یورش رژیم سازمان داده نشده بود؟ و اگر سازمان داده شده بود توسط چه تشکیلات و یا تشکل هایی؟ آیا جوانان نسل آینده و حال، توده های کارگر و زحمتکشی که در سایر نقاط ایران بودند و در این مقاومت و مبارزه شرکت نداشتند حق ندارند که بدانند چه کسانی تماماً "و با بخشا" سازمانده این مقاومت بوده اند؟

آنها باید بدانند که چه احزاب و گروه هایی در این مقاومت و مبارزه بودند. نسل کنونی و نسل آینده حق دارند که با خواندن تاریخ دقیق و درست این حادثه تاریخی در جریان این مبارزات و مقاومت در کردستان قرار بگیرند و دوستان و دشمنان خود را بشناسند.

من واقعا" این سنوالات را از رفقای نویسنده دارم. کمونیست های پیشماری در جایگاه عضو پیشمرگ در تشکیلات کومه له و تشکل های دیگر برای دفاع از کمونیسم و سوسیالیسم جان عزیز خود را از دست دادند. این را باید نوشت و گفت که برای ثبت در تاریخ، برای وفاداری به انسانهای زیادی که در راه ایده های کمونیستی و سوسیالیستی خود در تشکلی مشخص جان خود را فدا کردند.

راستی و صداقت به پیشبردمر بزرگ و انسانی کمونیسم کمک میکند. تاریخ را نمیتوانیم به میل و سلیقه خودمان عوض کنیم و واقعیت ها را ندیده بگیریم. هر چند ممکن است که خیلی از رفقا و دوستان اکنون تشکیلات قدیمی خود را به عنوان تشکیلاتی کمونیستی قبول نداشته باشند. در این امر که آنان اکنون اینگونه بیندیشند ایرادی نیست. ولی وفاداری به تاریخ و واقعیات مهم و اصولی است.

وقتی در نوشته ها صحبت از کمونیستها میشوید باید گفته شود که ظرف مبارزاتی این کمونیستها چه احزاب و سازمانهایی بوده است.

رفقا برای نوشتن تاریخ مبارزه استعمار شدگان، سرکوب شدگان بر علیه استثمارگران و سرکوب کنندگان باید منصف بود. از تنگ نظری خودداری کرد و حق انسانهایی را که در راه ایده و آرمان روشنی (در این مورد کمونیسم) در برهه زمانی خاصی، همراه با تشکیلات مشخصی، جان خویش را در راه اعتقادشان از دست دادند، را نادیده نگرفت. باید حق این کمونیستها را به درستی ادا کرد. باید آن چه را که واقعا" اتفاق افتاده نوشت. نه کمتر و نه بیشتر. به قول لنین "کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمیگویند." در مقابل توده ها و کمونیستهایی که برای آرمان خویش در یک تشکیلات مشخص جان باختند موظف هستیم که حقایق را آنطور که اتفاق افتاده بیان کنیم. ما نمیتوانیم که تاریخ واقعی را آنطوری که دلمان میخواهد بنویسیم. باید سعی کنیم که منافع گروهی و فردی خود را در نوشتن تاریخ و سیر حوادث واقعی دخالت ندهیم و تاریخ و سابقه تشکل های درگیر در مبارزه را نه به آن صورتی که ما میخواهیم و دوست داریم بنویسیم و به قلم بیاوریم، بلکه بدانگونه که بطور واقعی بوده و اتفاق افتاده بنویسیم.

کارگران و زحمتکشانشان حق دارند که حقیقت را بدانند. در واقعیت نویسی و گفتن حقایق بیشترین نفع را طبقات استثمار شده و تحت ستم میبرند. باید گفت و نوشت که کمونیستهای آن دوره که بسیاری از آنان در مبارزه رودر رو با رژیم، در شکنجه گاه ها و در برابر جوخه های اعدام در پیدادگاه های جنایتکاران بر خاک افتادند در چه تشکل و یا سازمانی فعالیت میکردند. این وظیفه همه بازماندگان آن دوران وحشت، ترور، کشتار، زندان و شکنجه میباشد و ما در قبال رفقای که دیگر در میان ما نیستند، مسئول هستیم.

برای کمونیستها مهمترین ابزار فعالیتشان تشکیلات است و زمانیکه از این افراد در مطالب و مقالات به صورت "افراد کمونیست" به طور کلی و بدون تشکیلات نام برده شده است، در آن زمانیکه این رفقا تیرباران شده و یا در درگیری ها به خاک میافتادند و جان باختند هر کدام از آنها عضو، کادر، پیشمرگ، سمپات، هوادار و رهبریک تشکیلات مشخص با اسم و عنوان مشخصی بودند نه گمنام و بی نام و نشان.

باید گفت و نوشت و با افتخار هم گفت و نوشت، که در این مقاومت و مبارزه کدام تشکل یا تشکلهای کمونیستی فعال بودند. رفقا این تاریخ جنبش کمونیستی ما است. با تمام کاستی ها و اشکالات و نقایص آن. گریزی از نامیدن و دیدن حقایق نیست. همه در آن زمان ۳۰ سال پیش بهتر از آن میدانستند. ما نمیایست آن رفقا را با علم و دانستنی های امروز ما محک بزنیم. این غیر علمی و نادرست است.

ما در برابر تاریخ موظف هستیم که واقعیات را آنطور که بوده بنویسیم. مبارزه کمونیستها در آن مقطع در یک تشکل و یا سازمان فرضی و خیالی نبوده است. همراه یک تشکل واقعی بوده اند.

با احترام و ارج گذاری به تمامی پیشمرگان کمونیست و رفقای کمونیستی که در تشکل های کمونیستی و انقلابی مشخص و زنده عضو بوده اند، تشکل هایی چون کومه له، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اتحادیه کمونیستهای ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق، چریکهای فدایی خلق و... همه این رفقا جان عزیز خود را در راه آرمانهای عالی انسانی خویش از دست داده

ودریک تشکیلات مشخص مبارزه کردند، باید نام آن تشکل هارا قید کرد. آن رفقا و پیشمرگان دریگ راه واهی، موهوم، بیشکل جان و جانهای عزیز خود را از دست ندادند.

تاریخ نویسی کمونیستی نیز با تاریخ نویسی بورژوازی فرق دارد. برای کمونیستها هدف وسیله را توجیه نمیکند. کمونیستها همانطور که در آینده ها و اعتقادات خود در مقابل ایده ها و عقاید بورژواها قرار دارند، در متدهای خود برای بازگویی وقایع نیز با آنان فرق دارند و تاریخ را آنطور که اتفاق افتاده باز نویسی میکنند.

به امید اینکه خود را از سکتاریسم و افکار و اندیشه های تنگ نظرانه سکتاریستی برهانیم و با صداقت و روشنی و شفافیت کمونیستی به نقد مسائل و نوشتن تاریخ مبارزاتی که اتفاق افتاده است، مبادرت ورزیم.

بنفشه کمالی ۱۳.۸.۲۰۰۹